

تأثیر آموزش الگوی تعلیمی بر بهبود روابط والد-فرزند

و هویت ملی و دینی

فربیا فزازی*

معصومه اسمعیلی**

حسین اسکندری***

محمد حاتمی****

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر آموزش الگوی تعلیمی بر بهبود روابط والد-فرزند و تقویت هویت ملی و دینی بود. روش پژوهش نیمه تجربی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود و جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان دختر کلاس دوازدهم هنرستان‌های شهر بیرجند در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ بودند. از این جامعه تعداد ۳۰ نفر که ویژگی‌های ورودی موردنظر را داشتند به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. از پرسشنامه‌های رابطه والد-فرزند فاین، مورلند و سئوبل (۱۹۸۳) و هویت ملی و دینی لطف‌آبادی (۱۳۸۳)، برای سنجش متغیرهای پژوهش استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از تحلیل کواریانس چندمتغیره انجام شد. نتایج نشان داد آموزش الگوی تعلیمی موجب بهبود روابط والد-فرزند می‌شود. همچنین نتایج نشان داد که بهبود روابطی که نتیجه آموزش الگوی تعلیمی بود توانست هویت ملی و دینی فرزندان را تقویت کند. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت با بهبود روابط والد-فرزند در اثر آموزش الگوی تعلیمی هویت ملی و دینی در فرزندان نیز تقویت می‌شود.

واژه‌های کلیدی: الگوی تعلیمی، روابط والد-فرزند، هویت ملی و دینی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این مقاله برگرفته از رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات است.

* دانشجوی دکترا روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

** دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) masesmaeily@yahoo.com

*** دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

**** دانشیار دانشگاه خوارزمی

مقدمه

نوجوانی دوره‌ای از زندگی است که همواره با بروز تغییرات زیستی، بدنی و اجتماعی که از اوایل دهه دوم زندگی انسان آغاز می‌شود و با انتظارات، رفتارها و نگرش‌های خاصی از سوی اعضا خانواده همراه است. در این دوره فرد نسبت به قبل تکامل یافته‌تر و بالغ‌تر می‌گردد. این تکامل یافتگی همراه با تغییرات فکری و بدنی است که فرد طی مرحله رشدی خودش تجربه می‌کند (ریوها، گارسیا مایا، موری‌نو و راموس^۱، ۲۰۱۳). از نظر عامری و عمویی (۱۳۹۵) دوره نوجوانی بحرانی‌ترین و حساس‌ترین دوره زندگی هر انسان است که تکالیف و پیچیدگی‌های متعدد دارد و فائق آمدن فرد بر این تکالیف تحت تأثیر عوامل گوناگونی مانند خانواده قرار دارد. تکلیف مهمی که در این دوره اهمیت زیادی دارد و خانواده در شکل‌گیری و دستیابی به آن نقش مهمی ایفا می‌کند، هویت است. پرسش «من کیستم؟» که پاسخ‌گویی به آن می‌تواند جایگاه فرد را در عرصه زندگی تعیین کند و جهت‌گیری‌های فرد در طول زندگی، چه در عرصه فردی و چه اجتماعی را روشن کند و با توجه به هویت شکل گرفته، به رفتار، اعمال و افکار وی رنگ و بوی ویژه‌ای ببخشد. هویت در ابعاد مختلف (خویش‌شناسی، دیگرشناسی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و ملی). شرط لازم زندگی است و انسان نخواهد توانست بدون داشتن چارچوبی برای تعیین هویت خود به صورت مناسبی زندگی کند و به شکلی با معنا و پایدار با دیگران ارتباط برقرار کند (شریفی، شکرکن، احدی و مظاهری، ۱۳۸۸).

هویت ملی را می‌توانیم به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی و در میان مرزهای تعریف شده سیاسی تعریف کنیم که مهم‌ترین عناصر آن عبارت‌اند از سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت (مفاخری، ۱۳۹۲). از سوی دیگر، هویت دینی مجموعه‌ای از باورها و اعمال است که فرد یا جامعه، در ارتباط با سنت‌ها و مراسم دینی که جنبه ایمانی دارد به اجرا می‌گذارند و متصف به آن‌ها می‌شوند. (اخوان کاظمی و ارغوانی، ۱۳۹۰).

با توجه به این‌که هویت به یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل حوزه‌های مختلف فرهنگ و زندگی مردم در جوامع جدید به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران تبدیل شده است؛ در طی دهه‌های اخیر، شهرها و فضاهای شهری در سیر تحول و فرایند گذار نوین

خود به تبع تحولات ناشی از اندیشه جهانی شدن، دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های شگرفی شده‌اند (حسین‌زاده و شجرآوی، ۱۳۹۲). چالش‌های اجتماعی و روان‌شناختی مذکور باعث شده است که نوجوانان و جوانان کشور ما نیز بر سر دوراهی سنن کهن فرهنگی و تجددطلبی مدرن سرگردان شوند و درجاتی از بحران هویت را تجربه کنند. آنچه در بین نوجوانان و جوانان دیده می‌شود آن است که بسیاری از آنان با این سؤال مواجه هستند که چه مقدار از سنن دینی و ملی را باید محفوظ نگه داشت و تا چه اندازه باید با تحولات جهانی همراه شد (لطف‌آبادی و نوروزی، ۱۳۸۳ الف).

این بحران که نتیجه تلاقی سه فرهنگ ایرانی، اسلامی و غربی و تقابل آن‌ها در برابر یکدیگر است چالش‌ها و آسیب‌های جدی را در شکل‌گیری هویت به وجود آورده است. به‌طوری‌که افراد جامعه و به‌خصوص نوجوانان و جوانان دشوارترین شرایط را از نظر اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری تحمل می‌کنند و با نوعی نابهنجاری دست‌به‌گریبان‌اند که نتیجه آن بروز بحران هویت هست (حکمت‌پور و صالحی امیری، ۱۳۹۱). بر این اساس یکی از دلایلی که می‌توان برای بسیاری از انحراف‌ها و کج‌روی‌هایی که در اجتماعات و از آن جمله در جامعه ما دیده می‌شود برشمرد، کاهش احساس هویت ملی و در کل هویت اجتماعی افراد است. هویت، لازمه نظام اجتماعی است و هرگونه تأخیر یا انحراف در شکل‌گیری هویت موفق، می‌تواند منجر به پراکندگی یا بحران هویت شود که خود بسیاری از نابهنجاری‌های فردی و اجتماعی را در پی دارد (زارع شاه‌آبادی و صادقی، ۱۳۹۱). برای پاسخ به این سؤال که چگونه می‌توان فرآیند هویت‌یابی را برای رسیدن به یک هویت موفق طی کرد، به‌طوری‌که این هویت‌یافتگی بتواند در عرصه تصمیم و موضع‌گیری به شخص کمک کند و او را از تشویش و اضطراب و به‌طورکلی از بحران روانی برهاند؛ راه‌های متعددی پیشنهاد شده است. یکی از راه‌ها در این زمینه، توجه به نقش خانواده و تعاملات خانوادگی است.

تعامل عوامل خانوادگی و زمینه‌های اجتماعی موجود نقش مهمی را در درونی‌کردن سبک‌های شناختی، رفتارهای انتخابی، ویژگی‌های شخصیتی و روش‌های ارتباط برقرار کردن نوجوان ایفا می‌کنند (پلرون و میسیچ، ۲۰۱۴ نقل از پلرون، اسپینلوا، سیدوتی و

میسچیچ^۱، ۲۰۱۵). نظریه‌های روان‌شناسی نیز نشان داده‌اند که نوجوانان در مرحله هویت‌یابی در حال تغییر دادن روابطشان با والدینشان می‌باشند و خود را به‌عنوان عامل فعالی که مسئول موفقیت‌ها و شکست‌هایشان هستند در نظر می‌گیرند (اریکسون^۲، ۱۹۶۸). در این مرحله نوجوانان فرآیند تصمیم‌گیری‌شان را مستقل‌تر از قبل انجام می‌دهند، بنابراین حمایت‌هایی که از سوی والدین صورت می‌گیرد نقش مؤثری در پرورش هویت مستقل در نوجوان دارد به‌طوری‌که یک دل‌بستگی ایمن به والدین باعث می‌شود که نزدیکی عاطفی بیشتری را با والدینشان احساس کنند، ارزش‌ها و نقش‌های والدینشان را درونی کنند و به معیارهایی دست پیدا کنند که بر اساس آن‌ها تصمیم بگیرند (پلرون و همکاران، ۲۰۱۵). حکمت‌پور و صالحی امیری (۱۳۹۱)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی تأثیر نقش خانواده در حفظ هویت ملی و دینی جوانان» به این نتیجه دست یافتند که عملکرد آموزشی والدین در زمینه مسائل دینی تأثیر مستقیم و معنی‌دار بر هویت دینی جوانان دارد و پابندی خانواده‌ها به مسائل ملی و دینی تأثیر مستقیم و معنی‌دار بر هویت ملی جوانان دارد.

با توجه به آنچه در بالا ذکر شد، دوره نوجوانی به‌واسطه تغییرات شناختی و رشد استقلال‌طلبی و خودمختاری می‌تواند زمینه‌ای برای ایجاد تعارض بین نوجوان و والدین ایجاد کند. همچنین این باور نوجوان که معتقد است والدین قادر به درک او نیستند موجب اختلاف‌سلیقه و مشاجرات بین آن‌ها می‌شود و ممکن است به مشکلات روانی برای نوجوان و والدین بیانجامد. در واقع نبود ارتباط مؤثر بین والدین و فرزندان به تعامل‌های ضعیف‌تر و سطحی‌تری منجر می‌شود و این نوع تعامل می‌تواند در آینده برای فرزندان مشکلات پیچیده‌ای را به وجود آورد (رونکن^۳، ۲۰۱۲). این در حالی است که در هیچ دوره‌ای از زندگی به اندازه دوران نوجوانی فرد احتیاج به حمایت، کمک و تفاهم والدین ندارد. این عدم ارتباط، نوجوان را در معرض خطرات گوناگون احساسی و روانی قرار می‌دهد و در والدین نیز تولید خشم و رنجش می‌کند (میلانی‌فر، ۱۳۹۵). از آنجاکه برقراری و حفظ ارتباط امر بسیار مهمی است راه‌های بهتری برای ارتباط با فرزندان و حل مشکلات وجود دارد، به‌طوری‌که بتوان زیر یک سقف زندگی کرد، لذا معرفی الگوی

1. Pellerone, M., Spinello, C., Sidoti, A., & Micciche, S.
2. Erikson, E.

3. Runcan. P. L.

تعلیمی^۱ به شیوه‌ای برنامه‌ریزی شده و سازمان شده جهت بهبود کیفیت رابطه والد-نوجوان ضرورت می‌یابد.

این الگو مجموعه‌ای از تلاش‌ها و اقدامات اصولی است که شامل روش‌ها و تکنیک‌هایی برای تغییر رفتار و شخصیت به‌منظور رسیدن به رشد بهینه است (حمبلی و گیپایانا، ۲۰۱۶). جوهره اصلی الگوی تعلیمی در آموزش هست که نقش آن تغییر رفتاری و هیجانی است. این برنامه شامل درمان آموزشی برنامه‌ریزی شده از طریق اطلاعات، رسانه‌ها، راهنمایی، مشاوره، بحث‌های گروهی و فعالیت‌های پردازش فکر می‌شود. روش تعلیمی بیشتر شامل برنامه‌های آموزش گروهی سازمان‌یافته می‌شود که به شرکت‌کنندگان کمک می‌کند دانش و مهارت‌هایشان را برای مقابله با مشکلات بالقوه و ضروری، تحولات رشدی یا بحران‌های زندگی توسعه دهند (آنیامن، نوکولو و مادگبانا، ۲۰۱۵).

در الگوی تعلیمی از تکنیک‌های وسیعی که از دیدگاه‌های نظری گرفته شده است تحت عنوان مداخلات روانی آموزشی استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال: به مراجعین می‌توان تکنیک «مهارت‌های ارتباطی» را برای بهبود رابطه با والدینشان آموزش داد (گوردون، ۱۹۷۶ و پترسون، ۱۹۷۷). در این الگو گروه‌هایی که به‌منظور آموزش روابط تشکیل می‌شود رهبر گروه با داشتن دانش و تجربه، شیوه‌های جدیدی از ارتباط و رابطه را بیان می‌کند. این گروه‌ها ممکن است روی والدین، مهارت‌های ارتباطی، روابط بین فردی، روابط کاری، تغییر روابط شخصی، طلاق و غیره متمرکز شوند (برون، ۲۰۱۸). شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد الگوی تعلیمی یا روش روانی آموزشی در موارد مربوط به اختلالات خوردن، اصلاح ادراکات نوجوان نسبت به والدین و افشای سوءاستفاده جنسی مؤثر بوده است (آنیامن، نوکولو و مادگبانا، ۲۰۱۵).

مهارت‌های ارتباطی به منزله آن دسته از مهارت‌هایی هستند که به واسطه آن‌ها افراد می‌توانند درگیر تعامل‌های بین فردی و فرآیند ارتباط شوند. یعنی فرآیندی که افراد در طی آن اطلاعات، افکار و احساس‌های خود را از طریق پیام‌های کلامی و غیرکلامی با یکدیگر در میان می‌گذارند (بروکس و هیث، ۱۹۹۳ نقل از هاریجه و دیکسون، ۲۰۰۴).

1. educational pattern
2. Hambali, I. M., & Gipayana, M.
3. Anyamene, A., Nwokolo, C., & Madegbuna, U.

4. Gordon, E.
5. Pattersong, R.
6. Brown, N. W.
7. Harigie, O. H., & Dickson, D.

از جمله مؤلفه‌های ارتباطی نیز می‌توان به پیامدهای من مثبت، گوش دادن فعال و جرأت و جسارت اشاره کرد (قربانی، ۱۳۹۴). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افراد فاقد مهارت‌های ارتباطی مناسب، در موقعیت‌های مختلف دچار مشکل می‌شوند. مشکلات چنین افرادی عمدتاً به دو حیطة مربوط می‌شود: راهبردهای کنترل بیرونی و راهبردهای حل مسئله. چنانچه این افراد به‌طور صحیح و به مقدار مطلوب تحت آموزش مهارت‌های ارتباطی یا سایر مهارت‌های زندگی قرار بگیرند، در این دو مشکل بهبود چشمگیری خواهند داشت (اریلی، لانسینی، سیگافوس، اودونوگه، لیزی و ادیسینا، ۲۰۰۴ نقل از حاتمی، صادقی‌راد و حسنی، ۱۳۹۴). نتایج پژوهش فرازی، اسمعیلی، اسکندری و حاتمی (۱۳۹۶) نیز نشان داد آموزش مهارت‌های ارتباطی به شیوه الگوی تعلیمی می‌تواند موجب بهبود روابط والد فرزند شود و از طرف دیگر، بهبود روابطی که نتیجه آموزش الگوی تعلیمی بود توانست گرایش به تفکر انتقادی فرزندان را در بعد خلاقیت و تعهد افزایش دهد. با توجه به مطالب فوق و اهمیت ارتباط رابطه والد-فرزند در دوره نوجوانی و کسب یک هویت ملی و دینی موفق آن‌هم در جامعه کنونی که با وجود جهانی شدن و تغییرات زیاد و انتشار اطلاعات از کانال‌های متعدد خطر بحران هویت ملی و دینی وجود دارد، هدف از پژوهش حاضر تأثیر آموزش الگوی تعلیمی بر روابط والد-فرزند و هویت ملی و دینی بود.

روش

این پژوهش یک پژوهش نیمه آزمایشی از نوع «پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل» است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانش‌آموزان دختر کلاس سوم (دوازدهم) هنرستان‌های شهر بیرجند در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ تشکیل داده‌اند که تعداد آن‌ها برابر با ۱۵۳۵ نفر است. با توجه به ماهیت شبه آزمایشی پژوهش و جنبه آموزشی داشتن آن و با استناد به نظر دلاور (۱۳۹۱) مبنی بر چگونگی انتخاب حجم نمونه در طرح‌های شبه آزمایشی ۳۰ نفر به‌عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. به این ترتیب که ابتدا به‌صورت تصادفی از بین هنرستان‌های دخترانه دو مدرسه انتخاب و در مرحله بعد به‌طور تصادفی از بین رشته‌های

تحصیلی موجود در هر مدرسه یک رشته تحصیلی یکسان انتخاب و در نهایت از بین کلاس‌های موجود برای رشته مورد نظر یک کلاس به طور تصادفی انتخاب شد. سرانجام به صورت تصادفی یک کلاس به عنوان گروه آزمایش و یک کلاس به عنوان گروه کنترل انتخاب شد (هر کلاس ۱۵ نفر). از جمله ملاک‌های ورود به پژوهش سن (۱۶ سال)، سلامت روان، نداشتن مسئله جسمی خاص و رسیدن به قدرت انتزاع بود. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش پرسشنامه فاین، مورلند و سئوبل (۱۹۸۳) و پرسشنامه هویت ملی و دینی لطف‌آبادی (۱۳۸۳) بود که در ادامه شرح داده شده است.

پرسشنامه سنجش رابطه والد-فرزند: پرسشنامه سنجش رابطه والد-فرزند توسط فاین، مورلند و سئوبل^۱ در سال ۱۹۸۳ تدوین شد. این پرسشنامه شامل ۲۴ سؤال است و برای سنجیدن نظر نوجوانان درباره رابطه آنان با والدینشان به کار می‌رود. «مقیاس رابطه ولی-فرزندی» دو صورت دارد، یکی برای سنجیدن رابطه فرزند با مادر و یکی هم برای سنجیدن رابطه فرزند با پدر. هر دو صورت آن یکسان است تنها کلمه پدر و مادر در آن عوض شده است. نمره کل عبارت از جمع میانگین‌های خرده مقیاس‌ها است. مقیاس مذکور با ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاس‌های مربوط به پدر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶ و ضرایب آلفای ۰/۶۱ تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاس‌های مربوط به مادر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶ از هماهنگی درونی سؤالات برخوردار است. مقیاس رابطه والد-فرزندی از روایی پیش‌بین خوبی بهره‌مند است و فرزندان خانواده‌های طلاق و یکپارچه را به طور معناداری از هم متمایز می‌کند. در این روایی همبستگی آزمون مذکور با مقیاس ارزیابی والدین کوپر (۱۹۶۶) بررسی شده است. (ثنایی، علاقه‌بند و هومن، ۱۳۷۹). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ ۰/۵۰ تا ۰/۸۹ برای خرده مقیاس‌های مربوط به پدر و نیز آلفای کلی ۰/۹۲ و ضرایب آلفای ۰/۶۶ تا ۰/۸۲ برای خرده مقیاس‌های مربوط به مادر و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۷ به دست آمد. همچنین، سؤال نامناسب ۱۳ از مؤلفه همانندسازی از طریق آلفای کرونباخ حذف شد.

پرسشنامه هویت ملی و دینی: پرسشنامه سنجش هویت دینی و ملی، بخشی از مقیاس ۴۵ سؤالی «سنجش نظام ارزشی» است که اولین بار توسط لطف‌آبادی در سال ۱۳۸۳، برای سنجش ارزش‌های ۱۰ گانه فردی، خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، هنری،

1. Fine, M., Moreland, J. R & schwebel, A. I.

علمی و نظری، دینی، ملی و جهانی تهیه و تنظیم شد. لطف‌آبادی و نوروزی (۱۳۸۳ ب) برای تعیین روایی از روش تحلیل عاملی استفاده کرده و نتایج آزمون KMO نشان داد که ضریب به‌دست‌آمده در سطحی بالا و کاملاً رضایت‌بخش است ($KMO=0/812$). همچنین آزمون کرویت بارتلت در سطح $P<0/0001$ معنادار بود ($X^2=8255/14$). علاوه بر این، در تحلیل عاملی از روش مؤلفه‌های اصلی نیز استفاده شد. نتایج نشان داد که ده عامل قوی معنادار با ارزش ویژه بالاتر از ۱ (و با استخراج مؤلفه‌های اصلی با قدرت تبیین ۷۶/۶ درصد واریانس کلی) در مقیاس وجود دارد. کمی بعد با توجه به جایگاه مهم ارزش‌های دینی و ملی در نگرش افراد، یک پرسشنامه ۲۲ سؤالی از مقیاس سنجش نظام ارزشی جدا شده و به‌عنوان یک پرسشنامه مجزا برای سنجش دیدگاه افراد در مورد ویژگی‌های فرهنگی و ملی ایرانی معرفی گردید. از ۲۲ سؤال پرسشنامه، ۱۴ سؤال مربوط به هویت ملی و ۸ سؤال مربوط به هویت دینی است. به‌عبارت‌دیگر، سؤالات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۵ مربوط به هویت ملی و سؤالات ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۲ مربوط به هویت دینی است. برای نمره‌گذاری این پرسشنامه لازم است حاصل جمع نمرات همه سؤالات محاسبه شود. برای این منظور ابتدا در مورد سؤالات ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۲، به ترتیب امتیاز ۶ را برای پاسخ کاملاً موافق، ۵ برای موافق، ۴ برای کمی موافق، ۳ برای کمی مخالف، ۲ برای مخالف و امتیاز ۱ برای پاسخ کاملاً مخالف و همین‌طور در مورد سؤالات ۲، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۷ و ۲۱، به ترتیب امتیاز ۱ برای پاسخ کاملاً موافق، ۲ برای موافق، ۳ برای کمی موافق، ۴ برای کمی مخالف، ۵ برای مخالف و امتیاز ۶ برای پاسخ کاملاً مخالف در نظر گرفته می‌شود. به‌این ترتیب دامنه نمرات از ۲۲ تا ۱۳۲ در تغییر است. پایایی این پرسشنامه در پژوهش مه‌رام، ساکتی و لطف‌آبادی (۱۳۸۴) از ۰/۸۹ تا ۰/۹۳ گزارش شده است. آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر برای خرده مقیاس‌های هویت ملی و هویت دینی به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۷۶ به دست آمد.

پس از انتخاب گروه نمونه و مشخص شدن گروه‌های آزمایشی و گواه، ابتدا در مرحله پیش‌آزمون پرسشنامه‌های رابطه والد- فرزند و هویت ملی و دینی در هر دو گروه آزمایشی و گواه اجرا شد. سپس گروه آزمایش تحت آموزش الگوی تعلیمی قرار گرفت. جلسات آموزشی به‌صورت چهار جلسه در هفته به‌صورت پشت سر هم و سپس هر سه

هفته یک بار بود به طوری که تقریباً سه ماه به طول انجامید (۸ جلسه یک ساعته). بعد از اتمام آموزش و گذشت سه ماه پس از آزمون در هر دو گروه اجرا شد و در نهایت نتایج به دست آمده در مرحله پیش آزمون و پس از آزمون تجزیه و تحلیل شد. برای رعایت اصول اخلاقی علاوه بر حفظ رازداری و بی نام بودن، دانش آموزان نیز با شرکت در فرایند پژوهش موافقت خود را اعلام کردند. همچنین پس از پایان پژوهش، دوره آموزشی مهارت های ارتباطی برای گروه کنترل اجرا شد. پروتکل آموزش الگوی تعلیمی بر مبنای برنامه روانی آموزشی گوردون (۱۹۷۶) و پترسون (۱۹۷۷) طراحی شد که خلاصه محتویات جلسه های آموزش در زیر آمده است.

جدول ۱. محتوای دوره آموزشی الگوی تعلیمی

جلسات	نام فعالیت	هدف
۱	ایجاد ارتباط	انجام پیش آزمون و سپس معارفه و آشنایی اعضای گروه با پژوهشگر و با یکدیگر و بیان اهداف و ضرورت یادگیری مهارت های ارتباطی و ایجاد انگیزه برای یادگیری مهارت ها و شرح روش کار جلسات بعدی و روش های تدریس. در جلسه معارفه به سؤالات دانش آموزان و کنجکاوی های آنها در زمینه کار پژوهشی و علت انتخاب شدن آنها پاسخ های لازم ارائه شده و در پایان جلسه از حضور آنها در کلاس ها قدردانی شده و از دانش آموزان خواسته شده در ساعات مقرر در کلاس حضور یابند.
۲	تبیین مفهوم مهارت های ارتباطی، پل ها و موانع	آشنایی با مفهوم و گستره ارتباط، تشریح عوامل بازدارنده و تقویت کننده ارتباط، پل ها و موانع ارتباطی. در ابتدای جلسه تعریفی از مفهوم ارتباط ارائه می شود. در این مرحله از روش بارش فکری استفاده می شود به این معنی که از دانش آموزان سؤالاتی نظیر ارتباط چیست؟ پرسیده می شود و در ادامه جلسه دوم در مورد عوامل بازدارنده و تقویت کننده ارتباط صحبت می کنیم و در هر مورد تکلیف داده می شود.
۳	معرفی عناصر چهارگانه ارتباط و ارتباط کلامی و غیر کلامی	شناخت اجزای تشکیل دهنده ارتباط، شناخت عناصر چهارگانه ارتباطی. زبان غیر کلامی و تفسیر آن، خصوصیات فیزیکی و عوامل محیطی در ارتباط غیر کلامی. با ترتیب دادن سناریویی از طریق ایفای نمایش از دانش آموزان می خواهیم که عناصر چهارگانه ارتباطی یعنی گیرنده، فرستنده، پیام و عکس العمل را مشخص کنند. در ادامه

جلسات	نام فعالیت	هدف
		توضیحاتی در مورد عناصر ارتباطی داده می‌شود. پیام‌های ما گاهی به روش‌های کلامی و گاهی غیرکلامی بیان می‌شوند.
۴	شیوه‌های برقراری ارتباط	شیوه‌های برقراری ارتباط، مزایا و معایب هر کدام استفاده از روش بارش فکری و طرح سؤالاتی نظیر ما در ارتباطات خود از چه شیوه و روش‌هایی برای بیان و تأمین خواسته‌ها، نیازها و احساسات استفاده می‌کنیم. آیا به خودمان حق می‌دهیم که نیازها و خواسته‌های خود را بیان کنیم؟ در مورد سه شیوه ارتباطی (۱) انفعالی رفتار کردن (۲) رفتار پرخاشگرانه و (۳) رفتار قاطعانه توضیحاتی بیان شد و دانش‌آموزان در گروه‌های دو نفره هر کدام از شیوه‌ها را به نمایش گذاشتند. آن‌ها همچنین تجربیات خود را در این زمینه به اشتراک گذاشتند.
۵	آشنایی با روش‌های گوش دادن فعال	آشنایی با انواع گوش کردن، موانع گوش کردن، تسلط بر مهارت‌های گوش کردن در حین رابطه، آگاهی اعضا از تجارب یکدیگر درباره مهارت گوش دادن
۶	پذیرش مسئولیت و شناخت احساسات خود و دیگران و توانایی برای دادن پاسخ همدلانه	آموزش استفاده از جملات با ضمیر من برای بیان افکار و احساسات، شناخت احساسات و هیجان‌های خود و دیگران، ارتباط هیجان‌ها با احساسات، تفکر و رفتار، کاربرد احساسات در روابط بین فردی اول با تأکید بر متفاوت بودن احساسات (خوشایند و ناخوشایند)، دوم با تأکید بر احساسات گوناگون در موقعیت‌های مختلف، انواع احساسات و کاربردهای آن و سوم با تأکید بر متفاوت بودن شدت هیجان‌ها و احساسات در موقعیت‌های متفاوت و به اشتراک گذاشتن تجربیات به وسیله ایفای نقش با هدف یادگیری بهتر.
۷	آموزش چگونگی ابراز وجود و مهارت نه گفتن به صورت عملی	آشنایی با انواع ابراز وجود، مراحل شش گانه ابراز وجود و شیوه‌های بیان نظر خود، فواید و کارکردهای آن، قاطعیت در رفتار به همراه انعطاف‌پذیری و در نهایت تمرین ابراز وجود (توضیح اعضا درباره تجارب خود در به‌کارگیری رفتار قاطعانه، تمرین به‌کارگیری مهارت‌ها)
۸	جمع‌بندی	جمع‌بندی مطالب گذشته و ایجاد انگیزه در اعضا برای استفاده از مهارت‌های آموخته‌شده در موقعیت‌های واقعی زندگی و در نهایت انجام پس‌آزمون.

یافته‌ها

در این پژوهش برای بررسی تأثیر آموزش الگوی تعلیمی بر روابط والد - فرزند و هویت ملی و دینی از تحلیل کوواریانس چندمتغیره (مانکوا) استفاده شده است. شاخص‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار مربوط به متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش به تفکیک گروه‌ها

گروه آزمایش		گروه گواه		خرده مقیاس‌ها	متغیر
پیش‌آزمون	پس‌آزمون	پیش‌آزمون	پس‌آزمون		
M ± (SD)	M ± (SD)	M ± (SD)	M ± (SD)		
۳ ± (۰/۶۲)	۴/۹۶ ± (۱/۶۵)	۳/۸۴ ± (۰/۵۹)	۳/۸۹ ± (۰/۶۰)	عاطفه مثبت	رابطه پدر-فرزند
۲/۹۲ ± (۱/۱۱)	۵/۲۸ ± (۱/۸۱)	۳/۲۳ ± (۰/۶۳)	۳/۳۱ ± (۰/۸۱)	آمیزش پدرانه	
۲/۹۹ ± (۰/۴۸)	۴/۳۷ ± (۱/۴۹)	۳/۰۷ ± (۰/۴۵)	۳/۲۸ ± (۰/۶۱)	ارتباط/گفت‌وشنود	
۴/۲۰ ± (۱/۸۱)	۱/۶۳ ± (۱/۱۱)	۴/۴۰ ± (۱/۰۶)	۴/۴۳ ± (۱/۱)	خشم	
۳/۰۸ ± (۰/۴۹)	۴/۸۲ ± (۰/۵۸)	۳/۷۱ ± (۰/۵۲)	۳/۷۰ ± (۰/۵۱)	عاطفه مثبت	رابطه مادر-فرزند
۵/۰۷ ± (۰/۳۷)	۱/۲۷ ± (۰/۴۶)	۴/۸ ± (۱/۰۹)	۳/۹۳ ± (۰/۸۴)	آزردگی/سردرگمی نقش	
۳/۸۷ ± (۱/۲۵)	۵/۷ ± (۰/۶۸)	۴ ± (۱/۰۲)	۴/۱ ± (۰/۹۱)	هماندسازی	
۲/۸۳ ± (۰/۵۶)	۵/۴۲ ± (۰/۹۷)	۳/۷۱ ± (۰/۶۸)	۳/۹۰ ± (۰/۷۶)	ارتباط/گفت‌وشنود	
۳/۴۸ ± (۰/۴۸)	۴/۰۵ ± (۰/۲۶)	۳/۶۶ ± (۰/۲۵)	۳/۷۳ ± (۰/۱۹)	ملی	هویت
۳/۱۳ ± (۰/۴۲)	۵/۱۳ ± (۰/۵۴)	۳/۶۹ ± (۰/۴۹)	۳/۶۹ ± (۰/۴۹)	دینی	

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مطابق با جدول فوق در تمامی زیر مقیاس‌های روابط والد فرزند (به‌جز خشم و آزردگی/سردرگمی نقش) میانگین در گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون افزایش نشان می‌دهد. همچنین میانگین نمرات هویت ملی و دینی در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون افزایش پیدا کرده است.

به‌منظور تحلیل داده‌ها از آزمون کوواریانس چندمتغیره^۱ (مانکوا) استفاده شده است. نخست برای استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیری پیش‌فرض‌های لازم بررسی شد. نتایج آزمون ام‌باکس^۲ ($P=۰/۲۷$ ، $F=۱/۱۴$ ، $BOX'S M=۵۹/۴۷$) فرض برابری ماتریس‌های کوواریانس مشاهده‌شده متغیرهای وابسته را مورد تأیید قرار می‌دهد.

1. Multivariate Analysis of Covariance (MANCOVA)

2. Box's M

همچنین نتایج آزمون بارتلت^۱ ($X^2=4.04/17, P<0/01$) میان متغیرها را نشان داد. نتایج آزمون لون^۲ در مؤلفه‌های روابط پدر-فرزند شامل عاطفه مثبت ($0/01, P<F=2/52$)، آمیزش پدرانه ($0/01, P<F=3/90$)، ارتباط/گفت‌وشنود ($0/01, P>F=5/12$)، خشم ($0/01, P>F=0/09$) و مؤلفه‌های روابط مادر-فرزند شامل عاطفه مثبت ($0/01, P>F=0/38$)، آزردهی/سردرگمی نقش ($0/01, P>F=1/37$)، همانندسازی ($0/01, P>F=1/09$) و ارتباط/گفت‌وشنود ($0/01, P>F=1/35$) نشان داد که سطح خطای F همه مؤلفه‌ها در آزمون لون بالاتر از 0/01 بود؛ بنابراین واریانس‌های خطای مؤلفه‌های روابط والد-فرزند در بین گروه‌ها تفاوت معناداری نداشتند. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل کوواریانس چندمتغیری برحسب مقیاس لامبدا^۳ ($F=48/02, P<0/01$) نشان داد بین میانگین خطی نمرات مؤلفه‌های روابط والد-فرزند شامل عاطفه مثبت، آمیزش پدرانه، ارتباط/گفت‌وشنود، خشم، عاطفه مثبت، آزردهی/سردرگمی نقش، همانندسازی و ارتباط/گفت‌وشنود دو گروه تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. در ادامه به‌منظور تعیین این موضوع که تفاوت در کدام‌یک از مؤلفه‌های مذکور وجود دارد، از آزمون آنکوا استفاده شد.

جدول ۳. نتایج آزمون آنکوا در مؤلفه‌های روابط والد-فرزند در دو گروه آزمایش و گواه

منابع	متغیرهای وابسته	SS	df	MS	F	sig	اندازه اثر
	عاطفه مثبت	۱/۶۹	۱	۱/۶۹	۱/۸۱	۰/۱۹	۰/۰۸
	آمیزش پدرانه	۵/۳۱	۱	۵/۳۱	۵/۶۲*	۰/۰۳	۰/۲۲
پدر-فرزند	ارتباط/گفت‌وشنود	۰/۰۸	۱	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۷۷	۰/۰۰۵
گروه	خشم	۱۳/۶۹	۱	۱۳/۶۹	۱۱/۵۴*	۰/۰۰۳	۰/۳۷
مورد مطالعه	عاطفه مثبت	۱/۷۰	۱	۱/۷۰	۵/۶۱*	۰/۰۳	۰/۲۲
	آزردهی/سردرگمی نقش	۲۹/۳۰	۱	۲۹/۳۰	۹۲/۰۵*	۰/۰۰۱	۰/۸۲
مادر-فرزند	همانندسازی	۱/۶۱	۱	۱/۶۱	۳/۲۴	۰/۰۹	۰/۱۴
	ارتباط/گفت‌وشنود	۳/۹۴	۱	۳/۹۴	۴/۸۴*	۰/۰۴	۰/۲۰

* = $P<0/05$

در جدول فوق، با توجه به نتایج آزمون‌های اثرات بین آزمودنی‌ها و شاخص‌های محاسبه‌شده (نسبت‌های F و سطوح معناداری آنها) می‌توان نتیجه گرفت که در بین ۸

1. Bartlett
2. Levene's Test

3. Wilks's Lambda

مؤلفه از روابط والد-فرزند، میانگین‌های نمره‌های دو گروه (آزمایش و کنترل) در ۵ مؤلفه آمیزش پدرانه، خشم، عاطفه مثبت، آزدگی/سردرگمی نقش و ارتباط/گفت‌وشنود به‌طور هم‌زمان متفاوت است. با توجه به مقدار اندازه اثر میزان تبیین متغیرهای وابسته توسط گروه (مداخلات) به ترتیب ۲۲، ۳۷، ۲۲، ۸۲ و ۲۰ درصد است. با توجه به نتایج آزمون، آموزش به شیوه الگوی تعلیمی در افزایش آمیزش پدرانه، عاطفه مثبت، ارتباط/گفت‌وشنود و کاهش خشم و آزدگی/سردرگمی نقش شرکت‌کنندگان پژوهش مؤثر بود. در مرحله بعد، به‌منظور انجام تحلیل کوواریانس چند متغیره جهت اندازه‌گیری تأثیر الگوی تعلیمی بر هویت ملی و دینی پیش‌فرض‌های لازم بررسی شد. نتایج آزمون ام باکس ($P=0/29$ ، $F=1/25$ ، $BOX'S M=4/07$) فرض برابری ماتریس‌های کوواریانس مشاهده‌شده متغیرهای وابسته را مورد تأیید قرار می‌دهد. همچنین نتایج آزمون بارتلت ($P<0/01$ ، $X^2=295/07$) همبستگی کافی میان متغیرها را نشان داد. نتایج آزمون لون در خرده مقیاس‌های هویت ملی ($P>0/01$ ، $F=1/94$) و هویت دینی ($P>0/01$ ، $F=0/54$) نشان داد که سطح خطای F در آزمون لون بالاتر از ۰/۰۱ بود؛ بنابراین واریانس‌های خطای هویت ملی و دینی در بین گروه‌ها تفاوت معناداری نداشتند. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل کوواریانس چندمتغیری برحسب مقیاس لامبدای ویلکز (۰/۰۱) $P<0/68$ ، $F=20/68$) نشان داد بین میانگین خطی نمرات هویت ملی و دینی دو گروه تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. جدول ۴ نتایج آزمون آنکوا در دو بعد هویت ملی و دینی در دو گروه آزمایش و گواه را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نتایج آزمون آنکوا در هویت ملی و دینی در دو گروه آزمایش و گواه

منابع	متغیرهای وابسته	SS	df	MS	F	sig	اندازه اثر
گروه مورد مطالعه	هویت ملی	۴/۱۳	۱	۴/۱۳	۲۹/۰۶*	۰/۰۰۱	۰/۵۳
	هویت دینی	۱۵/۹۲	۱	۱۵/۹۲	۹۴/۴۳*	۰/۰۰۱	۰/۷۸
	خطا	۳/۶۹	۲۶	۰/۱۴			
	هویت دینی	۴/۳۸	۲۶	۰/۱۷			

$P<0/05$

مطابق با جدول فوق، با توجه به نتایج آزمون‌های اثرات بین آزمودنی‌ها و شاخص‌های محاسبه‌شده (نسبت‌های F و سطوح معناداری آن‌ها) می‌توان نتیجه گرفت که در بین دو

مؤلفه هویت، میانگین‌های نمره‌های دو گروه (آزمایش و کنترل) در هر دو مؤلفه هویت ملی و هویت دینی به‌طور هم‌زمان متفاوت است. با توجه به مقدار اندازه اثر میزان تبیین متغیرهای وابسته توسط گروه (مداخلات) به ترتیب ۵۳ و ۷۸ درصد است. با توجه به نتایج آزمون، آموزش به شیوه الگوی تعلیمی در افزایش هویت ملی و هویت دینی شرکت‌کنندگان پژوهش مؤثر بود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش الگوی تعلیمی بر روابط والد-فرزند و هویت ملی و دینی دانش‌آموزان دختر انجام شد. نتایج حاصل از تحلیل کوواریانس چند متغیره نشان می‌دهد که آموزش الگوی تعلیمی بر بهبود روابط والد-فرزند مؤثر است. علاوه بر این، این یافته نیز به دست آمد که آموزش الگوی تعلیمی باعث افزایش هویت ملی و دینی در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل شده است.

در پژوهش حاضر الگوی تعلیمی که در آن از آموزش مهارت‌های ارتباطی برای بهبود روابط والد-فرزند استفاده شد، توانست بر مؤلفه خشم از ابعاد رابطه پدر فرزند و مؤلفه آزدگی/سردرگمی نقش از ابعاد رابطه مادر فرزند تأثیر گذاشته و باعث کاهش آن شود. این یافته همسو با یافته‌های بیگدلی، صفری و محمدی (۱۳۹۴)، میرزایی کوتنایی، شاکری‌نیا و اصغری (۱۳۹۴) و تریناس، اسونا، اولیور و کابرا^۱ (۲۰۱۳) است. به باور کوران و داتو (۲۰۱۴) نقل از کوک^۲ (۲۰۱۶) ارتباط مؤثر نوجوان با والدین این امکان را فراهم می‌کند تا وجود تعارض در خانواده به‌خوبی مدیریت شود. همچنین، با توجه به اینکه رشد کودکان محصول ارتباط و کنش متقابل بین خصوصیات خود و افرادی است که با آن‌ها سروکار دارند (ماسن، ترجمه یاسایی، ۱۳۸۸)، بنابراین بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش می‌توان گفت که هرچقدر ارتباط والدین با فرزندان بر اساس عطف، مهربانی و احترام متقابل باشد و این روابط به شکل دوسویه باشد و فرزندان هم با استفاده از مهارت‌های ارتباطی بتوانند به‌درستی ارتباط برقرار کرده و خواسته و نظرات خود را بیان کنند از میزان احساسات خشم و آزدگی نسبت به والدین کاسته می‌شود.

1. Trenas, A. F. R., Osuna, M. G. P., Olivares, R. R., & Cabrera, J. H.

2. Cook., R. M.

یافته دیگر به دست آمده از این پژوهش این است که الگوی تعلیمی توانست بر مؤلفه‌های آمیزش پدرانه از ابعاد رابطه پدر فرزند و عاطفه مثبت، ارتباط/گفت‌وشنود از ابعاد رابطه مادر فرزند تأثیر گذاشته و باعث افزایش آن شود. این یافته همسو با یافته‌های خجسته مهر^۱ (۲۰۰۹)، ویسکوسیلوا و پراسکو^۲ (۲۰۱۲)، رانسان، کانستنتینیو، ایلیس و پوپا^۳ (۲۰۱۲) و اصلانی و صناعی^۴ (۲۰۰۴) است.

همان‌طور که در باب الگوی تعلیمی ذکر شده است، الگوی تعلیمی مجموعه‌ای از اقداماتی است که هدف عمده آن تغییر رفتار و شخصیت به منظور رسیدن به رشد بهینه است (حمبلی و گیپایانا، ۲۰۱۶) و فرض برنامه‌های آموزشی مبتنی بر این الگو نیز آن است که مهارت‌های زندگی می‌توانند آموخته شوند و از طریق آن‌ها افراد می‌توانند راه‌های مواجهه با مشکلات را یاد بگیرند. افراد از طریق مداخلات روانی-آموزشی مهارت‌های کاربردی برای زندگی خود یاد می‌گیرند که این مهارت‌ها می‌توانند تغییرات پایداری در آن‌ها ایجاد کنند (آندرسون و کلکهام، ۲۰۰۲ نقل از براون، ۲۰۰۴). در واقع با استفاده از این الگو و آموزش مهارت‌های موردنیاز به افراد می‌توان به سه هدف رسید: بهبود مدیریت خود و مقابله شرکت‌کنندگان، کمک به مدیریت رفتارشان و آموزش به آن‌ها در مورد علت‌ها، تأثیرات و روش‌هایی برای مقابله با رفتارها و هیجانات. منطق حمایت‌کننده روش روانی آموزشی این هست که با درک روشنی از شرایط و آگاهی نسبت به نقاط قوت خود و مهارت‌های مقابله‌ای، فرد را برای رویارویی با مشکلاتش آماده کند تا به بهبود خودش کمک کند (کلاریون، ۲۰۱۳).

بر همین اساس، در الگوی تعلیمی مهارت‌های ارتباطی موردنیاز به دانش‌آموزان با همین هدف آموزش داده شد تا افراد بتوانند به کمک فراگیری این مهارت‌ها به مدیریت هر چه بهتر رفتارها و هیجانات خود در ارتباط با والدین خود بپردازند تا از این طریق ارتباط درست و موافقی با آن‌ها برقرار کرده و بتوانند به راحتی نیازها، خواسته‌ها و ابراز نظرات خود را بیان کنند و همچنین به هنگام مواجهه با مشکلات مختلف در زندگی نیز

1. Kojastehmehr, R.

2. Vyskocilova, J., & Prasko, J.

3. Runcan, P. L., Constantineanu, C., Ielics, B., & Popa, D.

4. Aslani, K. h., & Sanaee, B.

5. Clarion, C.

بتوانند از این ارتباط خوب با والد استفاده کرده، مشکلات خود را با آن‌ها در میان گذاشته و به راه‌حل درست و منطقی دست یابند.

به عقیده رانسان، کانستنتینو، ایلیس و پوپا (۲۰۱۲)، ارتباط عامل مهمی است که در توسعه کیفیت روابط در تعاملات والدین و فرزندان نقش مهمی ایفا می‌کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که آموزش مهارت‌های ارتباطی می‌تواند در بهبود الگوهای ارتباطی سازنده و کاهش الگوهای ارتباطی اجتنابی متقابل (خجسته‌مهر، ۲۰۰۹)، حل مسائل بین فردی و افزایش فضای مثبت بین فردی (ویسکوسیلوا و پراسکو، ۲۰۱۲) و افزایش کارایی خانواده در مقوله‌های حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی خانواده مؤثر باشد (اصلائی و صانعی، ۲۰۰۴). بنابراین وقتی کیفیت رابطه والد-فرزند بهبود پیدا می‌کند آمیزش پدرانه از ابعاد رابطه پدر فرزند و عاطفه مثبت، ارتباط/گفت‌و شنود از ابعاد رابطه مادر فرزند افزایش پیدا کرده و از آنجاکه نمونه پژوهش دانش‌آموزان دختر بودند و دختران وقت بیشتری را با مادر می‌گذارند در نتیجه بهتر می‌توانند با مادر خود ارتباط مثبتی برقرار کرده و از طرفی احساسات و عواطف مثبتی نسبت به مادر خود داشته باشند.

از سوی دیگر نتایج نشان داد، با بهبودی که در نتیجه آموزش الگوی تعلیمی در کیفیت روابط والد-فرزند پدید می‌آید هویت ملی و دینی نیز تقویت می‌شود. در تبیین این یافته می‌توان گفت از آنجایی که در فرایند الگوی تعلیمی با آموزش مهارت‌های ارتباطی، افراد قابلیت‌های مناسب جهت برقراری ارتباط درست و مؤثر را با دیگران به‌ویژه والدین پیدا می‌کنند، بنابراین می‌توانند با درک روشنی از شرایط و آگاهی نسبت به نقاط قوت خود و مهارت‌های مقابله‌ای، خود را برای رویارویی با مشکلاتی از قبیل بحران هویت ملی و دینی به‌ویژه در عصر حاضر که با تحولات ناشی از جهانی‌شدن روبرو است آماده کنند. در همین راستا، احمدی (۱۳۹۳) معتقد است هیچ‌یک از توانمندی‌های بالقوه انسان، جز در سایه روابط بین فردی رشد نمی‌کند. بنابراین، فراگیری روابط بین فردی صحیح، اهمیت بسزایی در ایجاد سلامت روانی، رشد شخصیت، هویت‌یابی، افزایش بهره‌وری شغلی، افزایش سازگاری و خودشکوفایی دارد. همچنان که در پژوهش مظاهری و رضاخانی (۱۳۹۶) نتایج نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی بر افزایش عزت‌نفس و کاهش تعارضات والد-فرزند مؤثر است.

از طرف دیگر، نقش مهم خانواده و تعاملات آن در شکل‌گیری هویت فردی بدیهی است. همچنان که پژوهش‌های متعدد در رابطه با رشد هویت بر نقش والدین به‌عنوان یکی از منابع اصلی اجتماعی شدن فرزندان در طول زندگی حمایت کرده‌اند (دیسمنند، مورگان و کیکوچی^۱، ۲۰۱۰؛ اکلس^۲، ۲۰۰۹ نقل از بوتاسکی^۳، ۲۰۱۶). همچنین، نتایج پژوهش‌های متعدد از جمله مطالعه نجفی و مهدی‌فر و دبیری (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که عملکرد خانواده (در قالب روابط سالم، توانایی حل مشکل، میزان کنترل بهنجار رفتار و مشخص کردن نقش‌ها) در شکل‌گیری حس هویت انسجام‌یافته و کاهش بحران هویت نقشی مؤثر دارد.

بر همین اساس، با فراهم شدن جو خانوادگی مبتنی بر پذیرش، همدلی و توضیح، نوجوان با آموزش الگوی تعلیمی و فراگیری مهارت‌های ارتباطی می‌تواند ارتباط بهتر و مناسبی با والدین خود برقرار کند و از این طریق زمینه برای ایجاد هویت و به‌طور خاص هویت ملی و دینی فراهم می‌شود. همچنان که در پژوهشی که فلاح‌زاده (۱۳۹۱)، با عنوان «مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری هویت (ملی-دینی) در بین جوانان ۱۵ تا ۳۰ سال شهر تهران» انجام داد نتایج نشان داد که انسجام خانوادگی به‌تنهایی ۳۶ درصد از تغییرات هویت ملی و دینی را تبیین می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، نتایج نشان داد بین نوع هویت (ملی-دینی) و انسجام درونی خانواده (یعنی روابط صمیمانه بین اعضای خانواده) رابطه معنادار وجود دارد. به‌این‌ترتیب که جوانان و نوجوانان شهر تهران که انسجام خانواده آن‌ها کم بوده است هویت ملی‌شان بر هویت دینی آن‌ها برتری داشته است اما نوجوانانی که انسجام خانواده آن‌ها خیلی زیاد بوده است هویت دینی آن‌ها بر هویت ملی‌شان برتری داشته است. در پژوهش دیگری که لهم^۴ (۲۰۰۷)، درباره هویت ملی در بین جوانان حومه شهر ملبورن استرالیا انجام داد به این نتیجه رسید که نقش والدین در انتقال ارزش‌های فرهنگی-ملی استرالیا تأثیر مثبتی در تقویت هویت ملی جوانان مورد مطالعه داشته است. بنابراین، با توجه به اینکه خانواده یکی از نهادهای مهم اجتماعی و سرمنشأ و منبع هویت‌سازی در جامعه است، بسته به نوع ارتباط، میزان صمیمیت و کاهش خشونت و

1. Desmond, S. A., Morgan, K. H., & Kikuchi, G.
2. Eccles, J. S.

3. Butauski, M.
4. Lohm, D.

آزردگی‌ای که بین والدین و فرزندان در محیط خانواده شکل می‌گیرد می‌تواند زمینه را برای تقویت هویت ملی و دینی در فرزندان فراهم کند.

در نهایت بر اساس نتایج به دست آمده و با توجه به تغییر روابط والد - فرزند در دوره نوجوانی و لزوم مسلط بودن به مهارت‌های ارتباطی و نحوه درست ارتباط برقرار کردن می‌توان کارگاه‌های آموزشی در مدارس با حضور هم والدین و هم فرزندان برگزار کرد و به آموزش الگوی تعلیمی توسط متخصصین این حوزه پرداخت تا از این طریق گامی در جهت بهبود هر چه بهتر کیفیت روابط والد - فرزند برداشته شود. در نتیجه با افزایش کیفیت روابط والد-فرزند فضای خانواده برای رشد هویت ملی و دینی که در جامعه امروزی نیاز همه افراد به خصوص نوجوانان است، آماده می‌شود. از جمله محدودیت‌ها می‌توان به نبود دوره پیگیری برای ارزیابی میزان تداوم برنامه آموزشی و انتخاب غیر تصادفی افراد گروه نمونه اشاره کرد. در پایان با توجه به اینکه در این پژوهش آموزش الگوی تعلیمی تنها بر روی دانش‌آموزان دختر انجام شد، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی آموزش این الگو با والدین نیز اجرا شده و تفاوت‌های جنسیتی نیز لحاظ شود.

منابع

- احمدی، م. س. (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر خودتنظیمی یادگیری دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه شهر زنجان. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۵ (۵۵)، ۱۱۳-۱۲۰.
- اخوان کاظمی، ب. و ارغوانی، ف. (۱۳۹۰). نقش هویت دینی در همگرایی ایران و آسیای مرکزی، *فصلنامه سیاست*، ۴۱ (۳)، ۱-۲۱.
- بیگدلی، ا.، صفری، ه. و محمدی، ع. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین با الگوی یادگیری جانشینی بر بهبود روابط مادر-دختر در دانش‌آموزان دختر پایه سوم مقطع راهنمایی شهریار. *فصلنامه روان‌شناسی بالینی*، ۴ (۲۸)، ۲۷-۳۶.
- ثنایی، ب.، علاقه‌بند، س. و هومن، ع. (۱۳۷۹). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: بعثت.
- حاتمی، م.، صادقی‌راد، س. و حسینی، ج. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی در تکانش‌گری نوجوانان دختر دارای علائم اختلال سلوک. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۹ (۳۱)، ۲۲۷-۲۵۴.

حسین‌زاده، ع. ح. و شجراوی، م. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر میزان و نوع استفاده از ماهواره بر هویت اجتماعی دینی و ملی نوجوانان. *فصلنامه دانش‌انتظامی*، ۱۵(۵)، ۱۳-۳۲.

حکمت‌پور، م. و صالحی امیری، ر. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر نقش خانواده در حفظ هویت ملی و دینی جوانان (مطالعه موردی منطقه ۱ و ۵ شهر تهران). *مجله مدیریت فرهنگی*، ۶(۱۸)، ۴۹-۵۹.

شریفی، ط.، شکرکن، ح.، احدی، ح. و مظاهری، م. م. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین هویت‌های دینی و ملی با سلامت روانی دانشجویان. *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ۴(۱۱)، ۱۲۶-۱۴۲.

دلاور، ع. (۱۳۹۱). *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*. تهران: ویرایش.

زارع شاه‌آبادی، ا. و صادقی، ش. (۱۳۹۱). خانواده و هویت ملی؛ بررسی موردی دانش‌آموزان شهر یزد. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ۵(۲)، ۶۵-۸۷.

عامری، ف. و عمویی، ن. (۱۳۹۵). نقش عملکرد خانواده در میزان تجربه بحران هویت و تمایز یافتگی نوجوانان. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۱۳(۳۰)، ۷۷-۹۱.

فرازی، ف.، اسمعیلی، م.، اسکندری، ح. و حاتمی، م. (۱۳۹۶). تأثیر آموزش الگوی تعلیمی بر روابط والد-فرزند با همبستگی گرایش به تفکر انتقادی. *نشریه پژوهش‌های تربیتی*، ۴(۳۴)، ۷۵-۹۴.

فلاح‌زاده، م. ه. (۱۳۹۱). *مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری هویت (ملی-دینی) در بین جوانان ۱۵ تا ۳۰ سال شهر تهران*. پایان‌نامه دکتری. گروه جامعه‌شناسی. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبائی.

قربانی، ن. (۱۳۹۴). *سبک‌ها و مهارت‌های ارتباطی*. تهران: بینش نو.

لطف‌آبادی، ح. و نوروزی و. (۱۳۸۳ الف). *سنجش رابطه‌ی هویت دینی و ملی دانش‌آموزان نوجوان ایران با نگرش آنان به جهانی شدن*. *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۱۰(۴۰)، ۱۰-۳۱.

لطف‌آبادی، ح. و نوروزی و. (۱۳۸۳ ب). *نظریه‌پردازی و مقیاس‌سازی برای سنجش نظام ارزشی به‌منظور بررسی تأثیر جهانی شدن بر نظام ارزشی دانش‌آموزان نوجوان ایران*. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۳(۷)، ۳۳-۵۸.

ماسن، پ.، کیگان، ج.، هوستون، آ. ک. و کانجر، ج. (۱۹۸۴). *رشد و شخصیت کودک*. ترجمه یاسایی، ۱۳۸۸. تهران: نشر کتاب، کتاب‌ماد.

مفاخری، م. (۱۳۹۲). بررسی کیفی رضایت زناشویی، هویت دینی، ملی و قومی در میان زوجین استفاده‌کننده از ماهواره و غیر آن در شهر دهگلان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه مشاوره خانواده. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبائی.

مظاهری، ا. و رضاخانی، س. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر افزایش عزت‌نفس و کاهش تعارضات والد-فرزند در دختران دبیرستانی. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۱(۳۷)، ۱۳۱-۱۵۰.

مهرام، ب.، ساکتی، پ. و لطف‌آبادی، ح. (۱۳۸۴). بررسی تحولات نگرشی و هویتی در دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. *فصلنامه مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ۱(۶)، ۶۵-۸۰.

میرزایی کوتنایی، ف.، شاکری‌نیا، ا. و اصغری، ف. (۱۳۹۴). رابطه تعامل والد-فرزند با سطح رفتارهای پرخطرگرا دانش‌آموزان. *فصلنامه سلامت روانی کودک*، ۲(۴)، ۲۱-۳۴.

میلانی‌فر، ب. (۱۳۹۵). *بهداشت روانی*. تهران: قومس.

نجفی، م.، مهدی‌فر، م. ع. و دبیری، س. (۱۳۹۱). رابطه عملکرد خانواده و بحران هویت نوجوانان. *مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی خانواده و جهانی‌شدن، پنجمین کنگره آسیب‌شناسی خانواده*. صص ۳۴۶-۳۴۸. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- Anyamene, A., Nwokolo, C., & Madegbuna, U. (2015). Effects of psychoeducation technique on examination misconduct tendencies of secondary school students. *European Scientific Journal*, 11(11), 1857-7881.
- Aslani, K. h., & Sanaee, B. (2004). The role of relation skills on efficiency of family in married students. *Journal of Science and Research in Apply Psychology*, 30, 115-136. [Persian].
- Brown, N. W. (2018). *Psychoeducational groups: process and practice* (4th ed). New York: Routledge.
- Butauski, M. (2016). *Young adults identify exploration; privacy management & parent-child communication on topics of career, religion, & politics*. (Master of Arts). Kent State University.
- Clarion, C. (2013). *Classroom management strategies for dealing with habitually disruptive students: Applications of psycho-educational principles and models*. Retrieved on 14th August 2013 from <http://www.scribd.com/doc/36459574/Classroom-Management-Strategiesfor-Dealing-with-Habitually-Disruptive-Students-Applications-of-Psycho-Educational-Principles-and-Methods>.
- Cook, R. M. (2016). *Parent-Adolescent communication and adolescent depression after a partial hospitalization program*, The Graduate Faculty of The University of Akron, PHD.
- Gordon, t. (1976). *P.E.T. in Action*. New York: Wyden.
- Hambali, I. M., & Gipayana, M. (2016). A cognitive stage-experiential psycho-educational guidance model to enhance the Bhineka Tunggal Ika (Unity in diversity) awareness. *Journal of Social Sciences*, 5 (1), 19-28.
- Harigie, O. H., & Dickson, d. (2004). *Skilled interpersonal communication: Research, theory and practice*. Routledge. New York: USA.

- Kojastehmehr, R. (2009). The effectiveness of relation skills on relation's models and positive feeling to spouse in couples of Ahvaz city. *Journal of Social Study of Women Psychosocial*, 8(1), 81-96. [Persian].
- Lohm, D. (2007). *How has Australia's history influenced young adults' understanding of Australianness?*. Australian Sociological Association Annual Conference- New Zealand, 2007.
- O'Reilly, M. F., Lancioni, G. E., Sigafoos, J., O'Donoghue, D., Lacey, C., & Edrisinha, C. (2004). Teaching social skills to adults with intellectual disabilities: a comparison of external control and problemsolving interventions. *Research in Developmental Disabilities*, 25 (5), 399-412.
- Patterson, R. (1977). *Families*. New York: Research Press.
- Pellerone, M., Spinello, C., Sidoti, A., & Micciche, S. (2015). Identity, perception of parent-adolescent relation and adjustment in a group of university students. *Social and Behavioral Sciences*, 190, 459-464.
- Rivera, f., Garoa-Moya, I., Moreno, C., & Ramos, P. (2013). Developmental contexts and sense of coherence in adolescence: A systematic review. *Journal of health psychology*, 18(6), 800-812.
- Runcan, P. L. (2012). The time factor: does it influence the parent-child relationship? *Procedia-social and behavioral sciences*, 33, 11-14.
- Runcan, P. L., Constantineanu, C., Ielics, B., & Popa, D. (2012). The role of communication in the parent-child interaction. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 46: 904-908.
- Trenas, A. F. R., Osuna, M. J. P., Olivares, R. R., & Cabrera, J. H. (2013). Relationship between Parenting Style and Aggression in a Spanish Children Sample. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 82, 36-529.
- Vyskocilova, J., & Prasko, J. (2012). Social skills training in psychiatry. *Journal of Activities Nervosa Superior Revive*, 54 (4), 159-170.